

صفحه‌ی ۱

انتقام

نمایشنامه

نوشته‌ی: سیاوش خدایی

صحنه یکی از پاتوق‌های اطرافی دره‌ی فرخزاد است. در گوشه اطراف چند نفر با هم گرم گرفته‌اند و در حال مصرف مواد هستند. در صحنه گاهی کسی از یک طرف به‌طرف دیگر می‌رود. یا از این جمع به‌جمع دیگر می‌رود. سمية وسط کادر تنها نشسته و در حال مصرف شیشه است. لحظاتی بعد پیمان و مهران خوش‌و بش کنان وارد می‌شوند. در دست پیمان کفی هروئین و لول است. پیمان سمت چپ سمية (راست کادر) و مهران سمت راست سمية (چپ کادر) می‌نشینند.

پیمان ببین کیو و است آوردم.

سمیه باز تو سر-و-کله‌ت پیدا شد. هر بار یه جوری باید خلاصه انگشت بکنی تو ... ما. برو گورتو گم کن دیگه. تخم‌سگ یه دیقه تو پاتوقم نمی‌ذاری تو حال خودمون باشیم.

پیمان یه دیقه خفه. اونور تو نیگا کن.

سمیه که نشئه است به‌زحمت سمت دیگرش را نگاه می‌کند.

سمیه خُب؟ این کیه؟

پیمان انقد شیشه زدی خُل شدی. نشناختی؟

سمیه حسین بیلمزه؟

پیمان نه ... خُل. دقت کن یه ذره. برو از جلو نگاش کن.

سمیه جلوتر رفته و از جلو نگاه می‌کند.

سمیه نه نمی‌شناسم. کیه این؟

پیمان (رو به‌مهران) حال می‌کنی چقد عوض شدی؟

سمیه بنال دیگه. این کیه خرکش کردی ورداشتی آوردیش تو پاتوق؟

پیمان عزیزم...

سمیه به من نگو عزیزم.

پیمان کره‌خر...

سمیه به من نگو کره‌خر. با لگد میام تو صورتا.

پیمان باشه بابا. تو خوب. سمية این عزیز که اینجا نشسته مهرانه.

سمیه کیه؟

پیمان مهران.

سمیه برای لحظاتی دست از مصرف می‌کشد. جلو می‌رود و مستقیم زل می‌زند به‌مهران. سپس رو به‌پیمان می‌کند.

سمیه این مهرانه؟

پیمان آره الاغ. خودشه.

سمیه	مهران توئی؟
مهران	آره سمیه.
سمیه	چقد عوض شدی.
مهران	ترک کردم. همه‌شونو با هم.
سمیه	عععه. گلم بهت می‌گفتم باید همشونو ترک کنی. می‌گفتم اینا باعث نابودی توأن. اصلاً همونا نمی‌ذاشتند تو پیشرفت کنی. به خصوص اون بابای دیوشت اصل قضیه بود. باید همشونو می‌ذاشتی کنار که بتونی به یه جایی بررسی. امشب من تنهم. کسی نیست. بیا پیش خودم تا صبح بشینیم مواد بزنجیم تعریف کن ببینم...
مهران	سمیه من ترک کردم.
سمیه	شنیدم چی گفتی. شیشه نزن. دوا دارم خونه.
مهران	سمیه گوش داری اصلاً؟ هنوزم گوشت کار نمی‌کنه؟
سمیه	گوش دارم که می‌شنوم دیگه.
مهران	میگم ترک کردم. موادو ترک کردم.
سمیه	چیکار کردی؟
پیمان	مواد ترک کرده. همه چیزو. نه دوا می‌زنده. نه پنیر می‌زنده. نه ترا می‌زنده. نه متا می‌زنده. هیچی. همه رو با هم کنار گذاشت. مکث.
سمیه	پس چه گهی اینجا می‌خوری؟
مهران	اودمد شماهارو ببینم. دلم براتون تنگ شده بود. مطمئن بودم اینجاید.
سمیه	تو دلت برا من تنگ شده بود؟
مهران	آره.
سمیه	تو غلط کردی. تو گه خوردی. (با تمسخر) دلم برات تنگ شده بود. همین دل... تو منو به این روز انداخت.
مهران	من کردم؟ من چیکار کردم با تو؟
سمیه	می‌بینی پیمان. بهت میگم این منکر همه‌چیز میشه واسه همینه. می‌زنده زیر همه‌چیز اصلاً. انگار که مثلًا ما (دمی می‌گیرد و بیرون می‌دهد) مثلًا الان اوMDی اینجا مادرت‌خواهی کنی؟
مهران	مادرت‌خواهی واسه چی؟
پیمان	(دودی از کفی می‌گیرد) منم نمی‌فهمم سمیه. واسه چی مادرت‌خواهی کنه؟

سمیه	تو که تعطیلی.
پیمان	تو ده ساله شیشه می‌زنی. من مخم تعطیله؟
سمیه	دلخواسته زدم. آزاری رسوندم به کسی؟ دزدی کردم؟ از دیوار کسی بالا رفتم؟
مهران	سمیه از دیوار کسی بالا نرفتی ولی من که یادمeh رعنی. فکر کردی و اسه کی داری داستان تعریف می‌کنی؟
سمیه	من چیکار می‌کردم؟
مهران	لعنی دستت کج بود. هر جا می‌رفتیم یه چیزی بلند می‌کردی. یادته کارتنه خواب بودیم یکی یه هو بهمون جا می‌داد؟ بعد تو یه چیزی حتماً ازش بلند می‌کردی.
سمیه	من فکر خودمون بودم که فردا جنس داشته باشیم.
مهران	مسئله همینه دیگه. لعنی بهمون جا داده. اگه جا نمی‌داد کفر خیابون باید می‌خوابیدیم. بعد میری ازش جنس بلند می‌کنی؟
سمیه	من از پولدارا جنس بلند می‌کردم.
پیمان	بیبنم اون لبتاب منو تو بلند نکردی؟ همون که ایسوس بود آبسوز بود چی بود. یه شب او مدید پیشمن، فرداش نبود. مکث.
مهران	چرا اونم سمیه بلند کرد.
پیمان	... دهنت ... کش. ینی تو یه جو مردونگی تو وجودت نیست. من اصلاً از همون اول می‌دونستم نباید به معتماد جماعت اعتماد کرد.
سمیه	خودت مثلًا سالمی؟
پیمان	من بیبن داداش قبول دارم خودمو خیلی.... ولی هنوزم جا دارم ترک کنم. من فکر می‌کنم هنوزم می‌تونم بذارم کنار. وقتی هست.
سمیه	چه ربطی داره؟
پیمان	به چی چه ربطی داره؟
سمیه	به اینکه تو الان معتمادی.
پیمان	نه من که معتماد نیستم. گاهی میام دره فرخزاد دودی می‌گیرم میرم. به فاطمه‌ی زهراء من سه روزه دوا نزدم. قبول داری مهران کسی که سه روز دوا نزنه از بدنش میره بیرون؟
مهران	متا و ترا و از اینام نخوردی؟

پیمان	نه به مولا. هیچی نزدم. الان بعد سه روز به خاطر روی گل تو او مدم تو پاتوق.
سمیه	ینی تو می‌خوای بگی معتاد نیستی؟
پیمان	معتاد اونجوری نیستم. یه ذره هستم.
مهران	پیمان جان اصلاً اگه اعتیادو ترک کنی صدات تغییر می‌کنه. تو صدات شبیه معتاداس.
پیمان	صدای من چشه؟
مهران	چش نیست دماغه. عمل داری دیگه.
پیمان	حالا جفتون امشب دست به یکی کردید گیر بدید به ما. اشکال نداره. تحمل می‌کنم. تو راستی خوشحال نیستی مهران موادو ترک کرده؟
سمیه	نه واسه چی خوشحال باشم. این چاکراهاش اصلاً اجازه نمیده ترک کنه. این پوچی‌ای که تو وجود این هست فقط با دوا حل می‌شه. توی ... کش فکر کردی کی هستی داری دوا می‌زنی. (با صدای بلند فریاد می‌زند) شماها که دارید دوا می‌زنید همتون ... کشید. (از گوشه اطراف صدای «خفه» می‌آید) دوارو باید کسی بزنه که ته خطه. ته پوچیه. می‌دونی یه پوچی‌ای هست که هر کسی درکش نمی‌کنه. فقط یه سری آدم خاص می‌تونن درک کنن. اصلاً مهران امشب بیا بریم خونه‌ی خودم من خودم شخصاً دوباره پوچیتو بهت برمی‌گردونم. ینی چی ترک کردم. مگه پوچی ترک داره.
پیمان	این پوچی که میگه چی هست اصلاً؟ ینی هیچی به تختم نباشه؟
سمیه	اینهمه رفتم بالای منبر ... کش بین داره چی میگه.
پیمان	خُب توضیح بده بینم دقیقاً ینی چی این پوچی که مهران داره من ندارم.
مهران	جان سمیه توضیح بده. الان ساله‌هast می‌خوای اینو به من توضیح بدی ولی نمی‌تونی. این دفعه‌ام فرصت داری. بگو به این پیمان پوچی ینی چی.
سمیه	خفه شو بابا عنتر.
پیمان	بگو سمیه. اطلاعات عمومیم میره بالا.
سمیه	تو یکی دیگه زر نزن.
	مکث.
مهران	خُب نگو.
سمیه	بین این پوچی اصلاً مسئله‌ی قرن بیستم به بعده. نیچه یه کتابی نوشت به نام «چنین گفت نیچه.»
پیمان	اسمش نیچه‌س؟
سمیه	آره.
پیمان	عجب اسم مسخره‌ای داره. (با تم‌سخر) نیچه. یارو اصلاً اسمش نیچه بوده. بین چه پوچی بوده اون.

سمیه	یه دیقه خفه میشی یا نه؟
پیمان	من نوکرتم هستم آبجی. داشتی می‌گفتی پوچی نیچه گفته. خُب بعدش.
سمیه	منو باش و اسه این الاغ دارم وقت می‌ذارم.
پیمان	سمیه بنداز. باشه تیکه‌هاتو بنداز. یه روز خمار شیشه و دوا شدی اوMDی دم در خونه بهت می‌گم.
مهران	بابا این پوچی لعنتی رو بگو.
سمیه	بعد تو این کتاب یه کانسپتی مطرح شد...
پیمان	چی چی؟
سمیه	کانسپت.
پیمان	چی هست حالا اینی که می‌گی.
مهران	پیمان اینا همش حاشیه‌س. بذا اصلشو بگه.
پیمان	خو بگو. یه (دودی می‌گیرد) چیزی داد بیرون که شد بعدش؟
سمیه	بین پوچی ینی اینکه... مثلاً بین وقتی آدما بچه به دنیا میارن عین حیوانان. دقیقاً همون کارو می‌کنن. ولی چرا حیواننا احساس پوچی نمی‌کنن؟ چون آزادن. ما آزاد نیستیم. باید یه جوری باشی که ینی هیچ باری تو این دنیا نداشته باشی. پدر و مادرتن؟ به تختم. فقط زاییدن. واسه دل خودشون. به تختم نباید باشه. داداشت، خواهرت، رفیقت، همه‌چیز باید به یه ورت باشه. باید بفهمی هیچی تو این دنیا معنی نداره. همه‌چیز یه جواری تخمیه. قیافه‌تم مهم نیست. می‌خواهد به هم بریزه می‌خواهد نریزه. می‌خواهد با مواد به گا بره، می‌خواهد نره. آینده‌ت. شغلت. شوهرت. زنت. بچه‌ت. اصلاً هیچی مهم نیست. اوMDیم که یه مدت تو این دنیا ول بچرخیم بعدشم بمیریم.
پیمان	تو ینی خداییش بابا ننهت به تختم نیست؟ من ننه بابامو دوست دارم بابا.
سمیه	همونا چهار بار فرستادن کمپ... خل.
پیمان	خُب معتاد بودم.
سمیه	بودی که بودی. به اونا چه؟
پیمان	اصلاً اونا هیچی. خواهرم چی؟ اون چیکار کرده؟
سمیه	پریشا خودت نمی‌گفتی مادر... وقتی میری خونه‌ش بچه‌شو می‌فرسته تو اتفاقش که تورو نبینه.
پیمان	آره مادر....
سمیه	بفرما.
پیمان	ینی تو می‌گی همه چی به تختم باشه؟

مهران بیین پیمان این الان نشنهس. رو شیشهس. بهت قول میدم دوام زده. داره مزخرف میگه. و گرنه من که ده سال پیش اینو دیدم. قیافه‌شو میدی آب از لب و لوچه‌ت راه میوفتاد. الان گه به گا رفته میگه عین خیالمم نیست.

سمیه غلط کردی. من از همون اولم همه چی برام پوچ بود.

مهران توأم پیمان ترک کن. یه هو باور کن زندگی عوض میشه. یه هو تو یه لحظه می‌فهمی من بدون این گه می‌تونم زندگی می‌کنم.

پیمان بیین من رفتم پیش‌یه دکتری گفت این‌شالله ترک می‌کنی.

سمیه دکتر بود؟

پیمان پَ نه مثلِ تو عملی بود.

سمیه گه خورد گفت این‌شالله. دکتر میره درس می‌خونه که نگه... اصلاً دکتری که بگه این‌شالله دکتر نیست. پس واسه چی رفتی دکتر شدی. من او مدم پیش‌یکی که درس خونده که منو درست کنه، نه اینکه بگه اگه خدا خواست. خدا خواست ینی چی. تو باید بخوابی.

پیمان ینی تو قبول نداری تو هر کاری باید به خدا توکل کرد؟

سمیه یه دکتر نه. یه دکتر باید کارشو بکنه. پس واسه چی میری دکتر. برو مشهد.

پیمان نه آبجی. بذار مسئله رو برات روشن کنم. اون رفته دهنش سرویس شده دکتر شده... خُب... بعدش میاد تورو خوب کنه. اون کار خودشو می‌کنه. ولی به هر حال خدام باید بخواب. اصلاً شیطان تو هر کاری نشسته وسوسه‌ت بکنه. اگه توکل نکنی به خدا که اصلاً کاری پیش نمی‌ره.

سمیه پس واسه چی میری دکتر؟

پیمان واسه اینکه خوبم کنه دیگه.

سمیه پس واسه چی می‌گه این‌شالله؟

مهران وايسا سميي. همچين حرف ميزنه انگار خودش حالا چيه. خدا نیست؟

سمیه معلومه که نیست.

مهران پس چی هست؟

سمیه من نمی‌دونم چی هست. ولی می‌دونم يه نیروی ماوريابی هست که ما نمی‌تونیم بفهمیم. يه چیزی بزرگتر از ما هست.

مهران خُب اینا اسمشو گذاشتند خدا.

سمیه خدا نیست.

		مگه دنیا زور داره؟ زورو اونایی دارن که میرن باشگاه.	پیمان
سمنیه	اونا زور دارن؟ اونا فقط یه مشت هیکل دارن. صد تای من و تو عمل دارن. البته من که عمل ندارم صد تای تو عمل دارن.		
پیمان	آمادگی بدنی که دارن.		
سمنیه	نه بابا. همش باد هواس.		
مهران	صحبت زور دنیا بود.		
سمنیه	آره می‌گفتم. زور دنیا تموم میشه. بعد از اونورم یه دنیای دیگه به اونطرف پرت میشه. ینی میره اونور. ینی بین باید اینجوری فکر کنی. (دو دستش را بالا می‌آورد و روپروری هم می‌گیرد) اینا میان به هم می‌خورن (دو دستش را به هم می‌کوید) بعد از هم فاصله می‌گیرن (دو دستش را بر اثر ضربه از هم فاصله می‌دهد) بعد اینا میرن عقب تا اینکه زورشون تموم شه. بعد اونایی که تو اون دنیان یه دنیای دیگه دارن عین دنیای ما. منتها ما نمی‌دونیم اونا چین. فقط می‌دونیم یه دنیای دیگه هست.		
پیمان	بعد که زورشون تموم شد چی میشه؟		
سمنیه	بعد میان نزدیک هم میشن (دو دستش را به هم نزدیک می‌کند). بعد به هم می‌خورن. همه‌چیز نابود میشه بعد دوباره از اول همه‌چی شروع میشه.		
پیمان	ای ... خوارش. ینی ما دفعه‌ی دیگه‌ام باید همینجوری عمل داشته باشیم؟ ینی بازم باید روزی شصت گرم پنیر بزنیم؟ ینی انقد دنیا بیلمزه؟		
مهران	آخه اسکول اصلاً معلوم نیست تو به دنیا بیای دوباره که. این روندی که این میگه میلیاردها سال طول می‌کشه.		
پیمان	...کش سر کارمون گذاشتی. میلیاردها سال دیگه کی زنده‌س کی مرده‌س؟		
سمنیه	ما زنده‌ایم؟		
مهران	سمیه تو میلیاردها سال دیگه زنده‌ای؟		
سمنیه	آره. داره داروی جاودانگی کشف میشه. یه داروییه می‌خوری جوون میشی. بعد تا دلت خواست می-تونی مواد بزنی خوش باشی. تازه می‌تونن قیافه تو مثل روز اول بکنن. روده‌تو عوض کنن. معده‌تو عوض کنن. اصلاً همه‌چیز.		
پیمان	ای خوارشو... ینی ما قراره تا میلیاردها سال دیگه وضعمن همین باشه؟ خُب اینجوری باشه که تا آخر دنیا تو دره فرhzادیم؟		
مهران	پیمان جان ولی من فکر می‌کنم زنده بمونیم. داره این دو تا دنیا به هم نزدیک که میشه وایسیم ببینم جنسایی که اونا می‌زنن چیه. بعد ازشون بگیریم یه مدت بریم رو جنسایی اونا.		

صفحه‌ی 10

پیمان	اینم فکر بدی نیستا. بهنظرت اونا چه جنسایی می‌زن؟
مهران	نمی‌دونم. من که اونجا نبودم. ولی فکر می‌کنم هر چی هست جنساشون بهتر از ماست. جنسای ما چیه می‌زنی پک-و-پاره میشی. مال اونا جنس نابه. یادته اون اولا شیشه اومنده بود. شمشیریا.
پیمان	آره. یه ربیعش ده نفرو می‌نداخت.
مهران	اون موقع حال میده.
پیمان	تو برنامه‌ت چیه مهران؟ می‌خوای همینجوری پاک بمونی؟
مهران	می‌خوام پول دربیارم. کار یاد بگیرم بیوقتم به کار کردن. اولش البته دنیال پول نیستم. اولش فقط می‌خوام کار یاد بگیرم. رفتم سه ماه تو یه تولیدی لباس کار کردم با خیاطی آشنا شدم. الان خودم تو خونه لباس می‌زنم. می‌خوام برم فرانسه طراح لباس بشم بعد برگردم ایرانو بتراکونم. می‌بینید حالا. من بهترین طراح لباس ایران میشم. همه میان بهدست و پام میوافتن برashون طرح بزنم.
سمیه	(با صدای بلند می‌خندد. می‌ایستد و با صدای بلند رو به همه) آیی ملت این... خل ترک کرده رفته داره حمالی می‌کنه. (صدای «خفه» از هر سو می‌آید. می‌نشیند) تو آن رفتی آدم شدی حالا.
مهران	ساعت چهار صبح دارم میرم فرانسه. دارم میرم دانشگاه طراحی لباس. امروز آخرین روزمه اومندم اینجا.
پیمان	و سمية هر دو به آرامی سرشنan را به سوی مهران می‌چرخانند و او را نگاه می‌کنند. مکث طولانی. سپس هر یک مشغول دود کردن می‌شوند.
پیمان	همه‌ی اینایی که پیش‌فعالن یه چیزی میشن. قبول داری مهران؟ من یه دکتری بود نمی‌دونم چی بود گاپزشک بود روان‌پزشک بود چی بود می‌گفت همه‌ی اینایی که پیش‌فعالن یه چیزی میشن. یا میرن تو ورزش یه چیزی میشن. یا میرن دانشگاه یه دانشمندی چیزی میشن. یام معتاد میشن. تو که ترک کرده الان با پیش‌فعالیت می‌خوای چیکار کنی؟
مهران	پیمان اینا همه‌ش بهونه‌س. بیش‌فعالی و اینا حرف‌ مفته. تو باید یاد بگیری بدون این گه زندگی کنی.
پیمان	ینی من اگه اینو بذارم کنار می‌تونم بیام فرانسه درس بخونم؟
مهران	درس چی آخه؟ پیمان باید هدف داشته باشی. هدفای من شاید با تو فرق داشته باشه. باید ببینی چی می‌خوای از زندگی. یه هدف تعیین کنی بعد ترک کنی. اون وقت دیگه نمی‌زنی. و گرنه دوباره زدی.
پیمان	به ناموس زهرا کک انداختی تو تنبوون ما. ینی به همین راحتی. تو چند وقته ترک کردي؟
مهران	یه سال و نیم. ولی خرکی نشستم پاشا. نشستم طراحی کردم. نرم‌افزار یاد گرفتم. کلی کار کردم یه هو شد.
پیمان	لغنت به این پیش‌فعالی. زندگی منو نابود کرد. داداش واقعاً دمت گرم. ینی اینکه دیدم داری به یه جایی می‌رسی خیلی خوشحالم.

پیمان	پیمان بیا ترک کن. باور کن زندگی عوض میشه.	مهران
پیمان	ینی میگی دیگه نزنم؟ اینو چی اینو نزنم؟	پیمان
مهران	اینو بزن. همین فردا برو کمپ ترک کن.	مهران
پیمان	بهناموس زهرا من اگه دیگه لب بزنم به این زه‌ی ماری. می‌خوام برم دکتر خداییش ازش یه چیزی بپرسم. می‌خوام بپرسم ببین آقای دکتر من از همه‌ی رده‌ترم. می‌خوام بدونم اگه مخم به‌گا رفته ول کنم دیگه باهاش بسازم. اگه نه هنوز بهم امیدی هست یه کاری بکنم برا خودم.	پیمان
سمیه	مهران امشب بیا پیشم.	سمیه
مهران	نمیام سمیه. انقد اصرار نکن.	مهران
سمیه	لعنی بعد اون گهی که با من خوردي الان یه شبم نمی‌خواي با من بگذرونی؟ بیا حداقل اينجا یه ذره از اين بزن بعد برو.	سمیه
مهران	بابا ما یه غلطی کردیم حala. هنوزم تو يادته. بابا گذشته رفته دیگه.	مهران
سمیه	گذشته؟... کش تا اون یگانه‌ی کله... اومد ایران منو ول کردي رفتی باهاش. ینی یه روزم صبر نکردي. قشنگ تا اوMD خیلی خوشکل و مامانی پا شدی رفتی سراغش. دیگه جوابِ تلفن ندادی. بعدش خوشم میاد ... کرد. ولت کرد رفت آلمان با اون مادر... ازدواج کرد. بعد تو موندی و تختمات. حala هی بشین واسه من از پاکی حرف بزن. من دارم میگم ... خوارِ همه‌ی اینا. زندگی پوچه. توأم آدم پوچی هستی. بعد اوMD نشستی اينجا از برنامه و آينده و دانشگاه و نمی‌دونم طراحی لباس و اینا حرف می‌زنی. آخه تو آدم اينکاري؟	سمیه
مهران	سمیه فقط دهنی. اصلاً گوش نیستی. معتادا فقط دهنن. گوش نیستن. می‌شنونا. مشکلِ شنوایی ندارن. ولی انگار این حسشون کار نمی‌کنه. انگار اصلاً صدا نمیره تو مغزشون. خب لعنی یه دیقه گوش کن ببین چی میگم...	مهران
سمیه	نه تو یه لحظه گوش کن. بیا همین الان بريم خونه‌ی من. دو تا اسید دالایی لاما دارم اصل اصل. اونو بزنیم. روش حشیش و علف بزنیم. شیشه‌ام بزنیم. مشروبم دارم. همه رو رو هم بزنیم یه شب خوب بشه حداقل برات.	سمیه
مهران	بابا می‌شنوی؟	مهران
پیمان	الته این آبجیمونم بد نمی‌گهه‌ها. هر وقت آدم می‌خواد یه کار بزرگ بکنه باید یه جشن اساسی قبلش بگیره. تو همینجوری می‌خوای ول کنی بری دنبال کارت؟ خُب اینکه خیلی مسخره‌س. نه حالی نه حولی. همینجوری یه هو سرِ خرو کچ کنی بری فرانسه؟ من نمی‌گم بزننا. ولی میگم امشبو... الته یه شب میشه هر شب لعنی. نه نزن. تو همون نرنی بری بهتره. ببخش منو مهران. نباید اینو می‌گفتم. ول کن سمیه.	پیمان

صفحه‌ی 12

سمیه تو خفه شو بابا. من میگم این آدم پوچه. اصلاً این برنامه‌ها به قیافه‌ش نمی‌خوره. میره اونجا یه مدت سرش گرم میشه بعد حوصله‌ش سر میره. من می‌دونم دیگه. من بهتر از تو اینو می‌شناسم. این از اوناییه که نمی‌تونه یه کارو دائم انجام بد. اصلاً نمی‌تونه تو یه روال رو تین کاریو انجام بد. میره بعد اونجا معتماد میشه. حالا ببین کی دارم بہت میگم. تو شیش ماه میری اونجا درس می‌خونی بعدش همونجا معتماد میشی. دوباره میای میشینی کنار ما تو همین دره فرhzاد دوا میزنى. اصلاً وايسا. (بلند می‌شود و با صدای بلند رو به بقیه) هoooooo... کشا گوش کنین. صدای «خفه شو» از جمع بلند می‌شود) عمهٔت خفه شه. گوش کنین. تخم‌سگا گوش کنین. این مادر... رفته ترک کرده الان می‌خواه بره فرانسه درس بخونه. من میگم شب آخر ایرانی، بیا یه چیزی بزن آخریش باشه. بعد بذار برو. بد میگم؟

صداهایی از جمع نه. بزن آقا. یه شب که صد شب نمیشه.

سمیه (می‌نشینند) دیدی.

مهران

سمیه مواد یه بارش زیاده هزار بارش کمه. یه بار بزنی دیگه زدی.

سمیه (پاییش را رو به مهران می‌گیرد) بیا بابا. بزن. به امشبو بزن بعدشم شب بیا خونه‌ی من.

مهران

خدایا این چرا گوش نداره.

پیمان

بابا چی می‌خوای از جونش. نمی‌خواه بزنی دیگه. اصلاً می‌دونی مهران به نظرِ من تو اون ضربه‌ای که به این زدی... البته باید ببخشی ولی نامردی بود دیگه. به هر حال ضربه‌ای که بهش زدی این الان می‌خواه جبران کنه. این نظرِ منه.

سمیه

تو خفه شو بابا. من دستِ کسیو که مواد داد دستم می‌بوسنم.

مهران

من دستت دادم.

سمیه

دستتو بده. (مهران دستش را به سمیه می‌دهد. سمیه آنرا بالا آورده و می‌بوسد). بفرما. هر کی اصلًا نزنه خله. ینی چی مواد نزنه؟ اونم یه شب.

مهران

ینی من اگه الان یه دود از این شیشه بگیرم حله؟ دیگه گیر نمیدی به من؟

سمیه

نه بعدشم باید بیای خونهم. حسابی کار داریم تا صبح.

مهران

دیدی سمیه. تمومی نداره.

پیمان

مهران جان به جون یه دونه مامانم حال می‌کنی شب بیا پیشِ من نه دوا بہت میدم نه شیشه میدم.

هیچی نمی‌دم. تخت بخواب فردا برو فرانسه. فقط نامرد نباش مارو یادت باشه.

مهران

پیمان ترک کن توأم بیا. بیا بریم یه کاری بکنیم.

پیمان

آخه من دیگه از دست رفتم. دیگه چیزی ازم نمونده. دیگه تموم شدم داداش. می‌شنوی چی می‌گم؟

مهران بیین مشکل دقیقاً همینه. اونایی که مواد می‌زنن انقد که دیگرون بهشون می‌گن شما فرق دارید اینا خودشونم باورشون میشه فرق دارن. بعد دیگه فرق می‌کنن. نمی‌تونن تغییر کنن. اینا همش یه باوره. بذارش کنار بیا تو پاکی همه چی حله.

پیمان ینی نئشگی تموم.

مهران تموم.

پیمان خُب بعدش چیکار کنم؟

مهران مثلِ آدم زندگی کن.

پیمان آخه مسئله اینه که زندگی مثلِ آدم حال نمیده. صبح پاشی بری سر کار غروب بیای خونه یه خورده وقت بگذردنی بعدم بخوابی.

مهران الان وقتت چی جوریه؟ بیین پیمان من از خدام بود یه روز صبح پاشم خمار نباشم. اینو با هیچی عوض نمی‌کنم. تو هر روز صبح پا میشی خماری. غیرِ اینه؟

پیمان نه به مولا.

مهران بیا. از صبح که پا میشی دنبالِ رفعِ خماری‌ای تا وقتی که نتشه کنی. بعدشم منظری نئشگیت بپره ایندفعه دوباره خمار میشی. این شد زندگی تو؟

مکث.

پیمان خداییش اینجوری تا الان بهش نگاه نکرده بودم. ینی زندگی ما انقد... یه؟
سمیه نخیر. زندگی ما آنارشیسمیه.

پیمان چی چیه؟

سمیه آنارشیسمی.

پیمان ربطی به انار و اینا داره؟

سمیه نه. ینی آنارشیسمیم. ینی هیچ نظم و قاعده‌ای نداریم. همش دنبالِ شکوندن قواعدِ ثابتِ زندگی‌ایم. ما همش می‌خوایم از چارچوب فرار کنیم. واسه همین باید بزنیم.

مهران آنارشیستا می‌دونی چیکار می‌کنن؟ من سواد البته ندارم. ولی عقل دارم. آنارشیستا معتادن سمیه؟
سمیه تو این جامعه آنارشیسم معتاده. چون خلافِ جریانه.

مهران لعنتی کجاش خلافِ جریانه. بیشتر مردم دارن می‌زنن. ینی اکثر مردم ایران آنارشیستن؟
سمیه اونو که ندار بحشو برات باز کنم. موادو اصلاً نذاشتمن که هر کسی بزنه. یه آدم آنارشیسم پوچ می‌زننه.

مردم عادی غلط کردن مواد بزن. مواد به چه دردشون می‌خوره؟ اونا همون باید برن عملگیشونو بکنن. مواد برا هنرمندا و آنارشیسم و ایناس.

مهران	ینی تو الان هنرمندی؟
سمیه	نیستم؟
مهران	شیش سال پیش طراحی می‌کردی. این ینی الان هنرمندی؟
سمیه	تو کردی. تو ولم کردی که همه چیز نابود شد. و گرنه الان یه طراح بزرگی شده بودم.
پیمان	بینم این آنارشیسم ربطی به پیش‌فعالی نداره؟ من حس می‌کنم آدمای پیش‌فعال میر آنارشیسم میشن.
سمیه	ببین اگه الان بخواه مسئله رو برات باز کنم خیلی پیچیده میشه نئشگیم می‌پره.
پیمان	نه یه نموره بگو شاید حالیم شد. این آنارشیسم ریتالین می‌خورن وقتی بجهان؟
سمیه	آنارشیسم یه ایدئولوژیه.
پیمان	یا حضرت عباس. این دیگه چی بود؟
سمیه	ینی یه مرامه. یه روش زندگی.
پیمان	همین دیگه. پیش‌فعالیم یه سبک زندگیه. میگم یه ربطی بین اینا هست.
سمیه	هیچ ربطی بینشون نیست.
پیمان	نیست؟
سمیه	نه نیست.
پیمان	آنارشیسم چیکار می‌کن؟
سمیه	قانونارو می‌شکونن. بعضیاشون بمبگذاری می‌کنن. میزنن شیشه‌ها رو می‌شکونن. به پلیسا حمله می‌کنن.
پیمان	همه‌ی اینایی که میگی علام پیش‌فعالیه.
مهران	بابا پیمان نیشتوبکش بیرون از این آنارشیسم. این یه چیزی گفت برا خودش.
پیمان	آخه گفتم شاید منم آنارشیسم باشم.
سمیه	تو؟ تو هیچی نیستی تو زندگیت.
پیمان	من هیچی نیستم؟
سمیه	هیچی نیستی. آنم نیستی.
پیمان	من آن. من گه. باشه. ولی بعد اینکه این ... کش ترکت کرد رفت پیش یگانه پیش کی میومدی؟ نسخ جنس که می‌شدی کی می‌ساخت؟ از خونه می‌نداختنت بیرون میومدی خونه‌ی کی؟ بول جنس نداشتی کی برات جور می‌کرد؟

سمیه	خُب حالا دور برندار.
پیمان	نه بگو دیگه. مهران اشتباه می‌گم. اینهمه سال به یکی محبت بکنی اینجوری باهات رفتار کنه اصلاً تو مرام آنارشیسم‌هاست؟
سمیه	آنارشیسم‌ها همه با همن. همه رو هم. پک و پاره.
پیمان	نه دیگه. من اینو نیستم. همه با هم و اینا نداریم. هر کی با یکی. اگه نشدم هر کی با خودش.
سمیه	تو اینهمه ساله چیه چسبیدی در ... من؟ چی می‌خواهی از من؟
مهران	من چسبیدم در ... تو؟ من که از تو فراریم.
سمیه	این خُلو می‌گم. کی با تو بود.
پیمان	(دارد دود می‌گیرد) من دنبالِ تؤام؟ طاقچه بالا ننداز بابا. اصلاً تو کی هستی من دنبالت باشم. قدیما چیز خوبی بودی. ولی الان قیافه داری مثلًا؟ اخلاق داری؟ اصلاً آدمی؟ هی آنارشیسم آنارشیسم می‌کنی.
سمیه	مهران این شیش ساله تو کفِ من نیست؟ اصلاً از روز اولی که من و تو با هم بودیم این تو کفِ من بود. قبول نداری مهران؟
مهران	چی بگم آخه؟ از کجا بدونم.
پیمان	سمیه با این نئشگی میزنم لهت می‌کنم. من تو وقتی با بهترین دوستم بودی تو کفر دوست‌دختر بهترین دوستم بودم؟ تخم‌سگ فکر کردی همه مثل خودتن؟ می‌رفتی با این و اون می‌خوابیدی با مهرانم می‌خوابیدی. فقط البته باید گوشزد کنم که با من نخوابیدی.
سمیه	ما قرارمون این بود. مهران تو مشکلی داشتی من با دیگرnon بودم؟
مهران	نه. اصلاً قرار بود جفتمون با هر کی می‌خوایم باشیم.
سمیه	آره بابا اوین ریلیشن شیپ بودیم.
پیمان	چی بودید؟
سمیه	اُین... ریلیشن... شیپ.
پیمان	ینی چی حال؟
سمیه	اُین ینی باز. ریلیشن یعنی رابطه، شیپ یعنی کشتی.
پیمان	ینی منطقه‌ی آزاد تجاری داشتید؟
مهران	پیمان تو روحت. یعنی عمرًا اگه فکر می‌کردم همچین چیزی از توش دربیاری.

پیمان به مولا دیگه. معنیش میشه همین. یعنی کشتیاتونو می‌ذاشتید هر کی خواست بیاد توش. بد بینم این بازم ربطی به او نیست. آخه شماها همش می‌خواستید با این و او باشید. بعد هم فعالیت می-
کردید.

سمیه	آن نکن خودتو پاشو بیا.
مهران	سمیه من امشب با شما بیا نیستم.
سمیه	ینی هیچ‌جوره نمیای دیگه؟
مهران	نه.
سمیه	سمیه برمی‌خیزد. به‌سمتِ یکی از جمع‌ها می‌رود.
پیمان	کجا سمیه؟
سمیه	الان میام.
سمیه	سمیه کنار یک جمع می‌نشیند.
پیمان	بهت گفتم نیارت پیش این. الان گیر میده بهت یه چیزی بزنی.
مهران	پیمان من مادرم داره ... میشه. ینی او مدم تو پاتوق هیچی نزدم.
پیمان	سالی یه بار داریم یکی بیاد تو پاتوق هیچی نزنه. اونم یا از کمپ دراوده یا یه مدت پاک بوده او مده بزنه. تو ده سال یه بار پیش میاد. وسوسه داری؟
مهران	مگه میشه نداشته باشم؟
پیمان	بعد اینهمه مدت؟
مهران	همیشه باهات هست. من که هنوز کاری نکردم. یارو ده ساله پاکه وسوسه داره.
پیمان	پَ واس چی او مدی پاتوق؟
مهران	می‌خواستم ببینم یه زمانی کجا بودم. از فردا زندگیم عوض میشه. او مدم این گهه ببینم که دیگه فکر برگشتنيش نیاد تو سرم.
پیمان	خیلی تخم داری. من یکی اگه پاک بودم پامو اینورا نمی‌ذاشتیم. خوشم میاد از مقاومت. یادت میاد من یه سال پاک بودم ریدی تو پاکیم. او مدم پیشت بهم دوا دادی. انقد رفتی رو مخم که زدم. ولی من الان نامردی نمی‌کنم بهت چیزی تعارف می‌کنم. البته باید تعارف کنم. ینی رسم‌ما اینه. ولی من الان دیگه نمی‌تونم دیگه. باید بذارم همینجوری که هستی پاک بمونی. ولی یه دونه هنوز طلبته. یه بار یه جا بد جور می‌زنم تو دهننت. همون یه سال پاکیه من تو ریدی تو شدش افتادم دوباره هم تو دوا هم تو شیشه. ایندفعه دو تا عمل. تازه یه مدت بونزایم زدم. لامصب بونزای خماری دوا رو میزنه بالا دهنم سرویس شد تا رسوندمش به شیشه و دوا. کجا رفت این مادر...؟
سمیه	سمیه بازمی‌گردد و جای قبای اش، بین پیمان و مهران می‌نشیند.
سمیه	بیا نه دوا بزن نه شیشه. حشیش بزن.
مهران	لامصب تو ول کن نیستی؟

سمیه	بابا حشیش که غذاس. چیزی نیست. این آخریش باشه. بزن، دیگه نزن. آخرین حشیشت تو ایران.
مهران	خودت دادی دستِ ما. حالا ما میدیم دستت. ...کش تو خودت دستِ همه دادی بعد از دستِ دیگرون نمی‌گیری.
سمیه	ببین من قراره امشب برم خونه. وسایلمو بستم. چهار صبح پرواز دارم. چت برم خونه چیکار کنم؟
مهران	تا اون موقع از سرت پریده.
سمیه	خماری بعدش چی؟
مهران	خشیشه بابا.
سمیه	من یه سال و نیمه نزدم. اینو بزنم الان شوت می‌شم.
مهران	شوت بشی. شبِ آخرته. بزن. چیز سنگین نزن.
سمیه	آخه ببین... گوش کن. سمیه خواهش می‌کنم برای یه بار تو زندگیت گوش کن. من مواد نمی‌خوام
مهران	بزنم. اصلاً دیگه نباید بزنم. ینی مخم تاب نداره. من دو هفته تو تیمارستان بستره بودم. دکتر گفت یه اسید دیگه بزنی بهت شوک میدم. بعدش دو دوره تو کمپ بودم. بعدش اوتمد بیرون دهنم سرویس شده تا به این پاکی رسیدم. بعد به خاطرِ یه حشیش به‌گا بدم همشو؟
سمیه	با یه حشیش چیزی نمیشه. دستِ منو داری رد می‌کنی؟
مهران	من دستِ گنده‌تر از تو رم رد کردم.
سمیه	دستِ یگانه‌ام اگه بود رد می‌کردی؟
مهران	اون که اگه بود الان جفتمون تو تیمارستان بودیم.
سمیه	دیدی خوب شد رفت. حالا بیا اینو بزن بشین دورِ هم تا سر صبح بشینیم بعدش برو سراغ فرانسه‌ت و مدل و این کوفتیا که می‌گفتی.
مهران	سمیه انقد اصرار نکن. من بزن نیستم.
سمیه	یه پُک بابا.
مهران	پیمان تو چی می‌گی؟ بزنم؟
پیمان	با اینکه یه بار ریدی تو یه سال پاکی من می‌گم نزن.
مهران	خُب پس نمی‌زنم. ببین سمیه من حالتِ طبیعیم یادم رفته بود. من اصلاً یادم نمی‌اوهد چی جوری بودم وقتی چیزی نمی‌زدم. یا نئشه بودم یا خمار. از چهارده سالگی. اصلاً نوجوانی و اولِ جوونیم یادم نیست. نمی‌دونم چی جوری گذشت. اگه الان اینو بزنم دوباره برمی‌گردم به اون دوران.
سمیه	بابا یه پُک کاری نمی‌کنه. یه ذره پُت می‌شی بعدشم میری سرِ خونه زندگیت. ببین بذار اینجوری بهت بگم. قراره چند سال اونجا درس بخونی؟

مهران	چهار سال.
سمیه	قرارم نیست چیزی بزنی؟
مهران	معلومه. نه پ. بیام بزنم.
سمیه	خُب الان بزن که تا چهار سال نزنی دیگه.
مهران	آخه این اولشه.
سمیه	بین قراره پدر مادرت بهت پول بدن؟
مهران	نه. قراره کار دانشجویی بکنم.
سمیه	ینی قراره سختی بکشی.
مهران	چه جورم.
سمیه	پس حق داری قبل رفتنت یه کم خوش بگذرونی. همه قبل رفتنشون یه گودبایی پارتی می‌گیرن. تو اونم نگرفتی. اوMDی تو پاتوق. فکر کن اینجا گودبایی پارتیته. تو گودبایی پارتی همه چیز میزند. چون قراره برم. سیا مست بازی درمیارن. دراگ می‌زنن. می‌رقسن. تو که هیچی نداری. بدبهختی. فکر کن به آدمایی که قبل رفتن چقدر مهمون دعوت می‌کنن. کلی چیز میز آماده می‌کنن واسه خوردن. دوستاشونو دعوت می‌کنن. یه چهار لیتری می‌گیرن. یا شیشه‌ای. یه سری‌ام که دراگی‌ان دراگاشونو میارن. بعد همه هر چی دارن به تو میدن. چون تو قراره برم. بعد تو همه چیزو رو هم قاطی می‌کنی. الان این شرایط نیست. گودبایی پارتیت افتاده همچین جایی. بیا اینو بزن که حداقل حال نکرده نری از ایران.
مهران	آخه...
سمیه	بیا بابا. بیا.
مهران	حب همین کافیه.
پیمان	دیگه زدی تا تهش بزن دیگه... خل. یه ذره می‌زنی اسمشو میداری خلاف. بزن. یادت باشه فقط من نبودم که رسیدم تو پاکیت.
مهران	بقیه‌ی سیگاری را بهسرعت دود می‌کند.
سمیه	بین اینروز و یادت باشه. این روز آخر دنیا بود. اوMDه بودی بین یه مشت ته خطی. یه سیگاری زدی. الان چه چتی بشی تو. دیدی پیمان.
پیمان	قبولت کردم. بین مهران گفته بود من دست هر کی هر چی بخواه میدم. مثل اینکه راست می‌گفت. داد دیگه.

مهران	وای چقد چتم، داغونم.
پیمان	سمیه تو خدایی. باید جلوت سجده کرد. ولی نامردی کردی.
سمیه	واسه چی؟
پیمان	زدی ریدی تو پاکیش.
سمیه	گودبای پارتیشه. بذا خوش باشه.
مکث طولانی	
سمیه	تاق بزنیم؟ شیشه و دوا رو هم مشتی میشه ها.
پیمان	باز چی تو کله‌ته؟
سمیه	هیچی به خدا.
پیمان	گفتی خدا. دیدی. به خدا اعتقاد داری.
سمیه	ناخودآگاهه. یه هو میاد سر زبون.
پیمان	ینی قبول نداری آدم الکی سوتی نمیده؟
سمیه	نه. گاهی همینجوری می‌پره از دهنت دیگه. تاق می‌زنی حالا یا نه؟
پیمان	لعنتم از تو اون کشیده بیرون کرده تو ما.
سمیه	اصل حال شیشه رو دواس. تکی که حال نمیده. دو گرم گرفته بودم. توأم که نصفشو زدی. بیا تاق بزنیم رو جفتش ببریم دیگه.
پیمان	باشه. ولی من که می‌دونم توی حروم‌لقمه یه چیزی تو کله‌ت هست.
پیمان و سمیه وسایشان را با هم عوض می‌کنند.	
مهران	بچه‌ها من لهم. چشام دو تا می‌بینه.
سمیه	چیزی نیست. خوبه. مهمونی خداحافظیته دیگه. فکر کن الان با یگانه زدی.
مهران	وای یگانه رو بگو. اینهمه بهش گفته بودم پاکم. اونم رفت ترک کرد. الان بفهمه زدم اونم میره میزنه.
سمیه	اون شوهر داره جلوشو می‌گیره.
مهران	شوهر خر کی بود بابا. همینجوری زنش شد بره آلمان.
سمیه	تو آلمان الان بیشتر موادای سنگین می‌زنن. حشیش اصلاً مسئله‌ای نیست.
مهران	لامصب نه برای کسی که یه سال و نیمه پاکه.
سمیه	تو همین الانشم پاکی. فقط یه شب شیطونی کردی. عذاب و جدان نمی‌خواهد داشته باشی.
پیمان	داداش حالا که زدی دیگه بیخیال برو تو فازش. ولش کن دیگه. دیگه زدی دیگه.

مهران	من چند ساعت دیگه می‌خوام برم فرانسه. اینجا چه گهی می‌خورم؟
پیمان	چند ساعت دیگه ینی چند ساعت دیگه؟
مهران	یه نیم ساعت دیگه باید از اینجا راه بیوافتم برم خونه. بعدشم یه راست فرودگاه. اگه بتونم البته.
سمیه	می‌تونی عزیزم، مسئله‌ای نیست.
مهران	می‌دونی اگه فردا نرسم چی میشه؟
سمیه	هیچی نمیشه. زندگی ادامه داره. یادت رفته. گفتم داروی جاودانگی داره اختراع میشه. فرصت داری هنوز. کامل کشیدیش؟
مهران	نه هنوز.
سمیه	بزنش. کامل بزن قشنگ توب شی.
مهران	مهران بقیه‌ی سیگاری را می‌کشد و به‌گوشهای پرتاپش می‌کند.
پیمان	ولی مهران اینهمه نصیحت کردی آخرش زدیا.
مهران	بابا من نمی‌خواستم بزنم. این لعنتی گفت بزن.
سمیه	من گفتم. ولی خودت خواستی. خواسته‌ی خودتو ننداز گردن دیگرون.
مهران	لعنتی تو نبودی می‌گفتی...
سمیه	تو نبودی می‌گفتی تا آخر عمر کنارم می‌مونی؟
مهران	چرا.
سمیه	موندی؟
مهران	نه.
سمیه	چرا؟
مهران	برای اینکه عاشقِ یگانه بودم.
سمیه	پس انکار نکن. تو عاشقِ موادی البته.
پیمان	نه من هر روز می‌شینم زار می‌زنم که چرا مواد می‌زنم. به خدا کلی گریه کردم. ینی شبی نبوده قبل خواب گریه نکنم.
سمیه	این عاشقِ مواده. نیستی؟
مهران	هستم.
سمیه	چرا ترک کردی؟
مهران	می‌خواستم واسه خودم کسی بشم.

سمیه	که چی بشه؟
پیمان	که چی بشه؟ چقدر تو خنگی. ینی این خوبه که الان ما اینجا تو دره فرhzادیم؟
سمیه	که چی بشه؟
مهران	که مردم بهم احترام بذارن.
سمیه	که چی بشه؟
مهران	که چی بشه؟ که احترام بذارن بهم دیگه.
سمیه	لعنی که چی بشه؟ احترام مردمو می‌خوای چیکار؟ (دود سنگینی می‌گیرد.)
پیمان	(او نیز از پایپ دود می‌گیرد) ینی احترام مردم مهم نیست؟
سمیه	دیگه چی مهران؟
مهران	که پول داشته باشم؟
سمیه	مگه تا الان نداشتی؟ اونقدی که نیاز داشتی داشتی. بیشتر می‌خوای چیکار؟
پیمان	خُب اون وقت میریم رو کوک.
سمیه	اینو بد نیومدی. من اگه پول داشتم میرفتم رو کوک. ولی کوکو بی‌خیال. دوا و شیشه و اسید کافیه.
	همینا بسهٔ نبود مهران؟
مهران	بیشتر می‌خوام. می‌خوام چیز یاد بگیرم.
سمیه	که چی لعنی؟
مهران	که آدم مهمی بشم.
سمیه	مادرتوم. دارم میگم که چی بشه؟
مهران	مادرمو اذیت کردم. خیلی. نمی‌خوام ناراحتش کنم.
سمیه	اون فقط برای دل خودش بچه آورده. می‌خواسته بچه داشته باشه. تو بازیچه‌شی احمق.
مهران	من خیلی اذیتش کردم.
پیمان	منم ننه‌مو زیاد اذیت کردم. خداییش این خیلی اذیت می‌کنه.
سمیه	من اصلاً ریدم به ننهم. تو خیابونا باشی بهتر از اینه که این تخم‌سگا بہت بگن چیکار بکن چیکار نکن.
	می‌خوای بری چهار سال عمر تو بذاری که طراح لباس بشی؟ که شورت مردمو طراحی کنی؟ می‌خوای شورتمو بہت نشون بدم؟ همه جاش پاره‌س. نابوده. کی اهمیت میده شورت مردم چی جوریه. اگه قراره تو گند بمیریم بذار خب تو گند بمیریم. هر جای دنیا بری همین گنده. همه جا همه دارن مواد می‌زنن. همه جا داره می‌گنده. تو احمق می‌خوای بری سرِ قبرِ ننهٔ درس بخونی؟

پیمان من داره مادرم ... میشه.	مهران
خُب تو که جنبه‌شو نداری نمی‌آمدی اینجا. بین بهت میگم پیش‌فعالی واسه اینه. اینو زدی پیش-فعالیت زده بالا الان نمی‌دونی چیکار کنی. حالا اووووه باید وایسی این سرِ دنیا بخوره اون سرِ دنیا که تازه از اول شروع شه ببینی معتماد میشی یا نه (دم می‌گیرد). من میگم اصلاً آدم باید یه فرصتِ دیگه به خودش بده. خداییش اون جهان موازی بود چی بود، هر چی بود، می‌خواه از روزِ اول دیگه این پیش‌فعالیمو کنترل کنم. همون ریتالین خوبه. بالاتر نمیرم. کسی از دور با چوبی جلو می‌آید.	پیمان
داداش یه دست میدی اینو بشکونیم؟	ناشناس
من نوکرتم.	پیمان
پیمان با غریبه به گوشه‌ای می‌روند و مشغولِ شکستنِ چوب می‌شوند. اما چوب سفت است و نمی‌شکند.	مهران
تو فرانسه بلدی؟	سمیه
ها؟	مهران
میگم فرانسه بلدی؟	سمیه
نه بابا. قراره اونجا برام یه سال کلاسِ زبان فرانسه بذارن. من حالم داره بد میشه. خیلی چتم. دارم بالا میارم. اصلاً نمی‌فهمم چی می‌گذرد دورم.	مهران
یادته با هم می‌شستیم دوا می‌زدیم.	سمیه
تزریق می‌کردیم.	مهران
آره. تزریق که می‌کنی لامصب دیگه کشیدنش حال نمیده. ولی همینم بهتر از هیچیه. قاطی شده با شیشه. وااای. نمی‌دونی چی شده.	سمیه
لعنت بهش. من عاشقشم.	مهران
تو عاشقِ موادی.	سمیه
عاشقشم.	مهران
می‌میری برآش.	سمیه
می‌میرم برآش.	مهران
بینِ یگانه و من، یگانه رو انتخاب کردی. بینِ مواد و یگانه کیو انتخاب می‌کنی؟	سمیه
نمی‌دونم.	مهران
می‌دونی.	سمیه
نمی‌دونم.	مهران

سمیه	می‌دونی. مواده عزیزم. تو عاشقِ موادی (دم می‌گیرد و فوت می‌کند توی صورتِ مهران).
مهران	بدش اونور این دود لعنیو.
سمیه	گودبای پارتی. آخرین دود.
سمیه	سمیه کفی و لول را دورِ سرِ مهران که کاملاً گیج و منگ است می‌چرخاند و می‌خندد.
سمیه	کفی می‌بینی یاد چی می‌وفتی؟
مهران	یاد اون شبی که نشسته بودیم تو اتاقِ من داشتیم می‌زدیم. رو زمین دراز کشیده بودم دود می‌کردم. دوده می‌رفت سمتِ پنجره. رنگش عوض می‌شد. بعد می‌رفت بیرون. انگار زندگیم بود که داشت همینجور می‌رفت. می-فهمیدم با هر دودش داره زندگیمو نابود می‌کنه.
سمیه	اینجا پنجره‌ای نیست. دلبازه. شب میای پیشم؟
مهران	وقت ندارم. باید برم.
سمیه	فکر کن همینجا خونمه. چیکار می‌کردی؟
مهران	چی می‌خوای از من؟
سمیه	سمیه دوباره دودِ عمیقی می‌گیرد و فوت می‌کند توی صورتِ مهران.
مهران	بوش. ... تو وجودت این حشیش بود یا اویلم قاطیش بود؟
سمیه	خشیشِ خالی بود به خدا.
مهران	من مادرم ... شده.
سمیه	یادته اون روزارو. بیخیال تو خیابونا می‌چرخیدیم مواد می‌زدیم؟ دنیا به تخممون نبود. تا صبح. رو اسید یادته مواد زدیم؟ یادته؟ عاشقم بودی؟ هنوزم هستی؟
مهران	هنوزم هستم.
مکث طولانی	مکث طولانی.
سمیه	چرا ترکم کردی؟
مهران	لامصب شیشه می‌زدی.
سمیه	به‌خاطرِ تو رفتم رو دوا. دیگه شیشه تفریحی می‌زنم. بیشتر رو دوام.
مهران	ینی الان عملت دوتاس؟
سمیه	نه. عملِ دوا دارم فقط. الان داشتم شیشه می‌زدم روشن دوا بزنم.
مهران	به‌خاطرِ من دوا زدی؟

سمیه آره. واسه اینکه پوچیتو درک کنم. بفهمم تو مغز این آدم چی می‌گذره. بفهمم چی این آدمو انقدر متفاوت می‌کرد. چی انقدر این آدمو بزرگ می‌کرد. می‌خواستم بفهمم چی تو دوا هست که بعضی آدمای پوچ مثل تو میان سراغش. من به خاطرِ تو او مدم سراغش. که تو رو بشناسم. تو تمام این شیش سال داشتم مواد می‌زدم که بشناسمت. آخرش شناختمش.

مهران چی شناختی؟

سمیه اینکه تو یه آدم تنهایی تنهایی. اینکه بزرگی به تنهاییه. تو با تنهاییت حال می‌کنی. خودتم با خودت می‌خندی. من ازت یاد گرفتم خودم با خودم تنها باشم. با خودم بخندم. حتی اگه هیچی نداشته باشم. من از تو زندگی رو یاد گرفتم مهران. ممنونم ازت.

مهران من نابودم.

سمیه من ازت لذتو یاد گرفتم.

مهران من نابودم.

سمیه من ازت عشقی بی‌سرانجامو یاد گرفتم.

مهران من نابودم.

سمیه من ازت...

مهران من نابودم.

سمیه من ازت...

مهران من نابودم.

مکث طولانی. سمیه کفی را سمت مهران می‌برد.

سمیه می‌کشی؟

مهران آره. دو تا دود می‌گیرم.

مهران کفی و لول را گرفته و چند دود عمیق می‌گیرد. سه الی چهار بار اینکار را می‌کند. تا اینکه به چرت بسیار عمیقی می‌رود و سرشن می‌افتد.

سمیه رفتی تو چرت؟ برو حالا. الان نمی‌شنوی چی می‌گم. تو تمام این شیش سال منتظرت بودم. ماشینتو من آتیش زدم. از خونه‌تون من دزدی کردم. در خونه‌تونو من رنگی کردم. هر بلایی سرت او مده من کردم. تو منو له کردی ... کش. می‌فهمی؟ منو با دیگرون شیر می‌کردی. نمی‌فهمیدی من عاشقِ توأم؟ نمی‌فهمیدی من به خاطر توی تخم‌سگ رفتم سراغ موارد؟ اگه بدونی چه شبایی گریه کردم. چقدر تنها به خودم گفتی مهران بر می‌گردد. می‌فهمی چقدر تحقیر شدم؟ می‌فهمی لجن؟ هر چی تو این شیش سال کشیدم به خاطرِ تو بود. لجن پاشو حالا خودتو ببین. می‌فهمی؟

(لگدی بهمهران می‌زند) نه الان نمی‌فهمی. برو تو چُرت. مشکلش این بود که گیرت نمی‌آوردم. خلاص نمی‌شدم از دستت. الان راحتم. راحت راحت.

پیمان بازمی‌گردد.

پیمان داداش نمی‌شکنه. به مولا نئشگیم پرید.

نگاه پیمان بهمهران می‌افند.

پیمان این چرا اینجوری شد؟ مهران... (با صدای بلندتر) مهران... این چش شد؟ سمیه بر می‌خیزد و جلوی مهران می‌بیند.

سمیه ...کش مادر... بکش حالا. یادت می‌اد چی جوری ولم کردی. ریدم تو فرانسه رفتن. اگه الان تونستی بری فرانسه...

پیمان تو به این دوا دادی؟ (به سمت مهران می‌رود و با چکه‌های آرام سعی می‌کند بیدارش کند) سمیه فکر کردی می‌تونی یه دختریو عاشق خودت کنی بذاری بری؟

پیمان مادر... این چند ساعت دیگه پرواز داره. الان چه گهی بخوریم؟

سمیه به تو هیچ ربطی نداره. بذار همینجا بمونه تا صبح. فردا پا می‌شه یادش می‌مونه دیگه با کسی بازی نکنه.

پیمان مادر... دوا دادی زد؟ ای ریدم تو اون هیکل از ریخت افتادت. ...کش. این آینده داشت. سمیه منم داشتم. مگه من نداشتم. همین تخم‌سگ منو معتاد کرد. بعدش ولم کرد رفت. یکی طلبش بود. الان اداش کردم.

پیمان مهران را که در خواب عمیقی است بلند می‌کند و روی دوشش می‌گذارد. با زحمت زیاد از آنجا دور می‌شود. سمیه ینی یه روز بد جور توانشو می‌دی. من الان اینو چی چوری بیرم خونه؟ لعنت بہت. ...م تو وجودت. تو اون روحت. تو اون شورت.

سمیه (با فریاد) آی ملت. هر کی می‌خواهد آدم بُکشه بیاد بُکشه. من قول داده بودم یه روزی یه کیو له کنم. الان کردم. دیگه نمی‌خواه زندگی کنم. کسی هست بخواهد آدم بکشه؟ (از جمع صدای «آره» بلند می‌شوند) بیاید. می‌تونید منو بکشید. من دیگه هیچ چی تو این دنیا ندارم.

همه‌ی آدم‌های پاتوق به تدریج بلند می‌شوند. ابزار و ادوات اطراف را جمع می‌کنند و دور سمیه حلقه می‌زنند. نور صحنه می‌رود. در سیاهی کسی می‌خواند:

لالاللال... لال... لال... لالا لالالالا

لالاللال... لال... لال... لالا لالالالا

در جهانی بی‌سرانجام

در سکوتی ماتم‌افزایم

در جهانی بی‌سرآغازم

می‌خورد بر بامِ بالینم

با گوهرهای فراوانش

درد بی‌درمان بی‌درمان

میخورد بر بامِ بالینم

در حصاری بی‌نگهبانم

در هوایی فراوانم

للالللال... لال... لال... لالا للا للا للا

للالللال... لال... لال... لالا للا للا للا

در جهانی بی‌سرانجامم

در سکوتی ماتم‌افزایم

در جهانی بی‌سرآغازم

می‌خورد بر بامِ بالینم

با گوهرهای فراوانش

درد بی‌درمان بی‌درمان

میخورد بر بامِ بالینم

در حصاری بی‌نگهبانم

در هوایی فراوانم

للالللال... لال... لال... لالا للا للا للا

للالللال... لال... لال... لالا للا للا للا